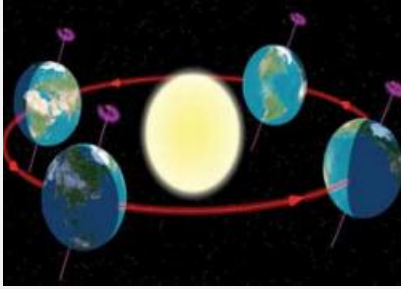


سال تحویل خورشیدی

روزهای آخر اسفند اکثر خانه‌های ایرانی حال و هوای تقریباً مشابهی دارد. برای خانواده‌هایی که هنوز به سنت‌های قدیمی پایبندند استقبال از بهار با خانه تکانی و دست به کار شدن برای سبز کردن سبزه‌ها آغاز می‌شود.



سال تحویل خورشیدی

جام جم آنلاین: روزهای آخر اسفند اکثر خانه‌های ایرانی حال و هوای تقریباً مشابهی دارد. برای خانواده‌هایی که هنوز به سنت‌های قدیمی پایبندند استقبال از بهار با خانه تکانی و دست به کار شدن برای سبز کردن سبزه‌ها آغاز می‌شود.

مراقبت هر روزه از جوانه‌های سبزی که قرار است به نمادی مهم از هفت‌سین ایرانیان بدل شود باعث می‌شود تا هرروز بهار نزدیک شدن خود را بیشتر به رخ بکشد.

خانه تکانی، برگزاری جشن چهارشنبه سوری و درنهایت مهیا شدن برای پهن کردن سفره هفت سین در آخرین ساعات زمستان، فضای هر خانه‌ای را به تناسب حال و احوال اعضایش دستخوش دگرگونی می‌کند.

این فضا برای کودکان و نوجوانان که نخستین تجربه‌های جدی خود از نوروز را سپری می‌کنند، شگفت‌انگیزتر و ماجراجویانه‌تر است.

در حالی که بزرگ‌ترها مشغول انجام آخرین کارهای بازمانده سال قبل هستند، شاید سپردن وظیفه رنگ کردن تخم مرغ‌های رنگی به بچه‌ها اندکی بتواند شور و بی‌تابی آنها برای رسیدن سال نو را کنترل کند، اما اینها تنها تا زمانی باقی می‌ماند که بسته‌های هدیه‌های سال نو به سر سفره هفت سین آورده شود. برای فرزندان کوچک خانواده دیگر صبر کردن تا تحویل سال به یکی از آزمون‌های دشوار زندگی‌شان تبدیل می‌شود.

نقطه اوج همه این مقدمات اما در لحظه سال تحویل قرار دارد. تمام کسانی که سال نوی ایرانی را در هرکجای جهان جشن می‌گیرند، در یک لحظه و در یک زمان مشترک قدم از سال گذشته به سال آینده می‌گذارند.

به همین دلیل هم هست که نو شدن سال به تجربه‌ای همزمان و مشترک و میراثی فارغ از مکان زیستن انسان تبدیل می‌شود. این روند برخلاف تحویل سال‌های تقویم‌های رایج دیگر است. برای مثال در تقویم میلادی آغاز سال کاملاً وابسته به محل جغرافیایی فرد است.

در حالی که افرادی در شرق ژاپن آخرین ساعت اولین روز سال نو را می‌گذرانند هنوز در غرب ایالات متحده، آخرین روز سال قبل در حال طی شدن است. در سال قمری نیز آغاز سال با آغاز ماه قمری جدید یا به عبارت دیگر هنگام غروب آفتاب تحویل می‌شود. در نتیجه حلول سال قمری نیز وابسته به مکان شخص است.

سال چینی نیز که بر مبنای تقویم قمری - شمسی است به همین شیوه تغییر می‌کند و همه اینها باعث می‌شود تا تقویم پارسی یکی از معدود تقویم‌های زنده جهان باشد که آغاز سال نویش را به‌گونه‌ای جهانی جشن بگیرد. اما در پشت پرده این تحویل مبارک چه داستانی وجود دارد؟

تحویل سال نو

علت یکسان بودن لحظه تحویل سال ایرانی در تمام جهان به این نکته ساده برمی‌گردد که ایرانی‌ها برای آغاز سال نو، مبنایی انتخاب کرده‌اند که رویدادی نجومی است؛ رویدادی که به طور کامل برای سیاره ما تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد که خورشید هر سال یک بار زمین را در مدار مشخصی دور می‌زند.

این مدار مشخص، نامش دایره البروج است. در طول یک سال، خورشید اندک اندک این مسیر دایره‌ای را در آسمان زمین (و از دید ناظری که روی زمین ایستاده است) طی می‌کند.

ویژگی این دایره فرضی در آسمان این است که با خط استوای سماوی (دایره‌ای به موازات استوای زمین که در آسمان کشیده شده است و آسمان را به دو نیمکره شمالی و جنوبی سماوی تقسیم می‌کند) منطبق نیست.

زمین هر شبانه روز يك بار به دور خودش در حال گردش است و این گردش را حول محوري که نقاط قطب شمال و جنوب جغرافیایی زمین را به هم وصل می‌کند انجام می‌دهد.

اگر زمین را در مدارش به دور خورشید تصور کنید خواهید دید که این محور چرخش زمین به دور خود بر صفحه مداری چرخش زمین به دور خورشید عمود نیست و با آن زاویه‌ای 23.5 درجه‌ای می‌سازد.

همین زاویه است که باعث می‌شود زمین شاهد ظهور پدیده فصل‌های مختلف باشد. اگر این محور چنین انحنایی نداشت و مثلاً عمود بر صفحه مدار بود آن گاه زمین در تمام مدت سال تنها يك فصل را تجربه می‌کرد.

همین انحنای مدار باعث می‌شود تا برای ناظر که روی زمین قرار دارد، خورشید در طول يك سال زمین را در مسیر دایره البروج دور بزند و این مسیر (دایره البروج) بر استوای سماوی منطبق نباشد و با آن زاویه‌ای 23.5 درجه‌ای بسازد. از دید این ناظر، خورشید در بخشی از مسیر خود روی دایره البروج در زیر استوای سماوی و در بخش دیگری از مسیر در بالای این استوا قرار دارد و البته برای این‌که این گذر را به صورت کامل انجام دهد ناچار 2 بار این استوا را قطع می‌کند.

زاویه‌ای که دایره البروج و صفحه استوای سماوی می‌سازند عملاً باعث می‌شود تا چهار نقطه مشخص در آن شکل بگیرند.

نقاطی که در آن، این دو دایره همدیگر را قطع می‌کنند و زمانی که خورشید روی آن قرار می‌گیرد عملاً هم روی دایره البروج و هم روی استوای سماوی است و دو نقطه‌ای که دایره البروج بیشترین فاصله را با استوای سماوی می‌گیرد.

اینها نقاطی طبیعی در سیستم مداری زمین به‌شمار می‌روند که از دوران باستان برای انسانی که به حرکت اجرام سماوی نگاه و در آن تعقل می‌کرده است مهم بوده‌اند.

یافته‌های باستان‌شناسی از سازه‌های پیش از تاریخی همچون بنای استون هنج در انگلستان نشان از آن دارد که با کمک این بنا گروه‌هایی از مردم زمانی که خورشید به چنین نقاطی می‌رسید را تعیین و در آن هنگام آیین‌هایی را برگزار می‌کردند.

این چهار نقطه در اصطلاح به دو انقلاب و دو اعتدال معروفند. برای ناظر که در نیمکره شمالی حضور دارد (طبیعی است داستان برای ناظر نیمکره جنوبی معکوس می‌شود) وقتی خورشید به انقلاب تابستانی می‌رسد (اولین روز تابستان) او طولانی‌ترین روز و کوتاه‌ترین شب را سپری می‌کند از آن پس طول روزها کاسته شده تا زمانی که خورشید در ابتدای پاییز به یکی از دو نقطه تقاطع استوای سماوی و دایره البروج می‌رسد.

در این هنگام طول روز و شب برابر می‌شود. پس از آن خورشید روی دایره البروج به سمت پایین استوای سماوی می‌رود و با کاهش ارتفاع خورشید در آسمان، از طول روزها کاسته و بر طول شبها افزوده می‌شود.

این روند تا شب یلدا (که جشنی ایرانی برای گرامیداشت انقلاب زمستانی است) ادامه می‌یابد. در این موقع خورشید به نقطه انقلاب زمستانی رسیده و مردم نیمکره شمالی، طولانی‌ترین شب و کوتاه‌ترین روز سال را تجربه می‌کنند.

با گذر از این نقطه از طول شب کاسته و بر طول روزها افزوده می‌شود تا بار دیگر خورشید در مسیرش روی دایره البروج به نقطه تقاطع استوای سماوی برسد؛ جایی که به اعتدال بهاری معروف است و بار دیگر طول روز و شب با هم برابر می‌شود و از آن پس طول روزها به طول شبها فزونی می‌گیرد.

ایرانیان برای آغاز سال نوي خود، رسیدن خورشید به نقطه اعتدال بهاری را انتخاب کرده‌اند و از آنجا که خورشید به طور همزمان برای کل زمین (از دیدی زمین‌مرکزی) به نقطه اعتدال بهاری می‌رسد همه مردم به طور همزمان چنین تحویلی را جشن می‌گیرند.

به عبارت دیگر زمانی که کنار سفره هفت سین نشسته و عقربه‌های ساعت تحویل سال نو را اعلام می‌کند و سال نو را به اعضای خانواده، دوستان و مردمتان تبریک می‌گویید، اتفاق مهمی در طبیعت در حال رخ دادن است. درست در همان لحظه خورشید به نقطه اعتدال بهاری رسیده است.

فصل بهار از همان لحظه آغاز می‌شود و این آغاز زندگی دوباره طبیعت، سبز شدن جوانه‌ها و جایگزین شدن سبزی بهار با خمودگی زمستان است. از همان لحظه به بعد به طول روزها افزوده و از طول شب کاسته می‌شود و جهان به سمت اعتدال و تازگی پیش

می‌رود.

انتخاب این مبدا برای آغاز سال علاوه بر نشان دادن ماهیت تفکر ایرانی، از سوی دیگر نشانه‌ای روشن بر توانایی محاسباتی و دانش نجومی گذشتگان ماست؛ دانشی که به آنها اجازه محاسبه دقیق این زمان و تعیین دقیق نقطه آغاز دقیق‌ترین تقویم مورد استفاده مردم جهان در دوران ما را می‌داده است.

تحویل حوت به حمل

شاید شما هم بارها شنیده باشید که آغاز سال نو تحویل برج حوت به حمل است. اما در تمام داستان‌هایی که در بالا گفته شده نامی از برج‌های فلکی نبردییم. پس ریشه این واژه از کجاست؟

داستان این نامگذاری بار دیگر ما را به دایره‌البروج برمی‌گرداند. ستاره‌شناسان برای آن‌که راهنمایی برای پیدا کردن ستاره‌ها در آسمان شب داشته باشند از دیرباز گروهی از ستاره‌های روشن را به شکل مجموعه‌ای تصویری در آسمان تصور کرده‌اند.

آنها ستاره‌های روشن را چون نقاطی به هم وصل کرده، تصویری به آن نسبت داده و نام آنها را صورت‌های فلکی نهاده‌اند.

گرچه این صورت‌های فلکی در حوزه‌های مختلف تمدنی به شکل‌های گوناگون تصویر شده‌اند، اما برخی از آنها نیز بین فرهنگ‌های مختلف منتقل شده و به‌طور مشترک اساس نجوم امروز را شکل داده‌اند.

از مهم‌ترین صورت‌های فلکی در طول تاریخ آنهایی بودند که دایره البروج از میان آنها عبور می‌کرده‌اند. مردم عادی با این صورت‌های فلکی با نام برج‌های 12 گانه آشنا هستند.

البته بر مبنای تقسیم بندی امروزی آسمان این صور فلکی جایگاه و اهمیت قبلی خود را ندارند، امروزه دایره‌البروج از میان 13 صورت فلکی می‌گذرد و طول هر یک از صورت‌های فلکی نیز متفاوت است، به طوری که خورشید ممکن است تنها چند روزی در یکی از این صورت‌ها بماند یا در یکی دیگر بیش از یک ماه دوام داشته باشد. به این ترتیب این صورت‌ها به شکل امروزی‌شان دیگر نشان‌دهنده ماه تولد افراد هم نمی‌توانند باشند.

مرزهای این صورت‌های فلکی با یکدیگر در طول تاریخ جابه‌جا شده است. آنچه ما امروز به عنوان مرز صورت‌های فلکی می‌شناسیم، حاصل اجماع جامعه نجوم و مربوط به قرون اخیر است.

براساس تقسیم‌بندی جدید چیزی حدود 2000 سال پیش، نقطه اعتدال بهاری دقیقاً در مرز دو صورت فلکی حوت و حمل قرار داشت و خورشید با عبور از نقطه اعتدال بهاری عملاً از این دو صورت فلکی نیز گذر می‌کرد، اما اکنون به دلیل حرکت و جابه‌جایی محور زمین که به حرکت تقدیمی معروف است، دیگر این نقطه در آن مرز قرار ندارد و درون صورت فلکی حوت واقع شده و هر سال نیز درون آن جابه‌جا می‌شود بنابراین تحویل حوت به حمل این روزها انطباق نجومی خود را از دست داده اما به عنوان اصطلاحی که به اعتدال بهاری اشاره دارد هنوز به کار می‌آید. حتی جامعه جهانی نجوم این اصطلاح را به کار می‌برد و به نقطه اعتدال بهاری نقطه اول حمل می‌گویند.

به هر حال زمانی که این مطلب را می‌خوانید، مدت‌هاست که مراسم استقبال از بهار را آغاز کرده‌اید. هر سال با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، این مراسم شکل و ریختی تازه می‌گیرد؛ سالی پرشکوه‌تر و سالی با قناعت، اما نوروز با این پیشینه و این دقت و این شکوه انتخابش رشته و نخ تسبیحی بوده که ملتی را در طول تاریخ پرفراز و نشیبش و در عرض جغرافیایی به وسعت جهان به هم پیوند داده است.

نوروز فرصت گردهم آمدن و همصدا و همدل شدن با طبیعت است که جان و جهان ما را به اعتدال، نو شدن و سبز شدن دوباره پس از زردی پاییز و نخوت زمستان فرا می‌خواند.

نوروز تقاطع تاریخ، فرهنگ، اندیشه، هنر، سنت و دانش ایرانی است که عمرش جاودان باد.

پوریا ناظمی